

به نظر می‌رسد آنچه
در نظام بین‌المللی
در حال وقوع است،
گذار به جهانی
چندنظمی است
که در این جهان
چندنظمی لزوماً
نظمی از بین نمی‌رود
و حتی ممکن
است نظم لیبرال
فعلی همچنان به
بقای خودش ادامه
بدهد. اما مسئله آن
است که این نظم،
دیگر جهان شمول
نخواهد بود و تغییر،
بحران و رقابت را
تجربه خواهد کرد.

در پیوستن به سیاست مشترک دفاعی اتحادیه اروپا پس از سی سال و رأی مثبت مردم به آن، واکنش بسیار سریع و تا حدی موفق غرب در مقابله با روسیه و اعمال فشارهای اقتصادی و سیاسی به آن و در نهایت افزایش اهمیت متحدان و اتحادها مشاهده کرد. همچنین پیامدهای این جنگ نظیر بروز مشکلات اقتصادی در کشورهای غربی، افزایش هزینه سوخت و انرژی، افزایش هزینه غذا و کمبود آن در جهان نیز به حامیان نظم کنونی ضرورت اصلاح در روندهای خود از جمله وابستگی آن‌ها به سوخت‌های فسیلی و انرژی روسیه را می‌توان متذکر شد. انتظار می‌رود غرب (به خصوص اروپا) ضمن اصلاح این موارد، در آینده خود با تقویت راست‌گرایان مواجه شود و برخی مشکلات و تنشهای سیاسی داخلی برایش روی دهد.

با این حال، نظم‌های دیگری نیز در حال ظهور هستند که عمده آن‌ها را می‌توان نظم روسی (که به طور عمده به دنبال ایجاد نظم مطلوب روسیه در آسیای مرکزی است) و نظم چینی (به منظور ابتکاری یک کمربند - یک جاده چین) دانست؛ البته امکان شکل‌گیری سایر نظم‌ها در مناطق مختلف جهان نیز وجود دارد و شاید حتی ظهور نظم‌های اسلامی را بتوان در آینده انتظار داشت.

به طور مشخص رهبران دو کشور چین و روسیه در بیانات و اقدامات خود ظهور دو نظم چینی و روسی را بیان کرده‌اند. ولادیمیر پوتین و شی جین پینگ در دیدارشان به مناسبت بازی‌های المپیک زمستانی در ۴ فوریه، بیانیه مشترکی را صادر کردند که در آن از «ورود به عصری جدید» یاد کرده و به ضرورت تحول در نظم کنونی، پاسخ‌گویی به تهدیدات مشترک و وجود درکی مشترک درباره دموکراسی و مشکلات دو کشور با آمریکا اشاره کرده‌اند. همچنین پوتین پیش‌تر در سخنرانی خود در کنفرانس امنیتی مونیخ در سال ۲۰۰۷ به این اهم اشاره کرده است؛ البته نکته آن است که نظم چینی برخلاف نظم روسی لزوماً به دنبال تقابل نظامی و به چالش کشیدن نهادهای نظم کنونی بین‌المللی نیست؛ در حالی که نظم روسی نشان داده است که در داخل خود به اقتناع و مذاکره تکیه چندانی ندارد و به موجب ساختار سلسله‌مراتبی‌اش، بر منطق زور و اجبار استوار است که جنگ اوکراین نمونه‌ای از تسلطش بر بلاروس و استقرار نیروهای حافظ صلح آن در منطقه قره باغ است؛ بنابراین از دیدگاه درون‌نظمی، تکیه بر ساختار سلسله‌مراتبی، قاعده‌ساز و نظم‌ساز است و نپذیرفتن آن به پاسخ‌نظامی منجر خواهد شد، اما از دیدگاه میان‌نظمی و رابطه با سایر نظم‌ها، منطق آنارشی استوار است که در آن همکاری‌ها، رقابت‌ها و مواجهه‌ها از یک سو و نقش‌آفرینی، کارآمدی نهادها و سازمان‌های بین‌المللی از سوی دیگر اثرگذار خواهد بود. انتظار می‌رود که فضای دوستانه و همکاری میان دو نظم چینی و روسی استمرار یابد و میان نظم روسی و لیبرال، تنش‌های فزاینده‌ای ایجاد شود.